

تبادل نقش همسری و مسئولیت اجتماعی-دینی حضرت خدیجه سلام الله علیها

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تبادل نقش همسری و مسئولیت اجتماعی-دینی حضرت خدیجه (س) در صدر اسلام و تحلیل الگوی چندبعدی حضور او در جامعه مکه انجام شده است. پژوهش حاضر به دنبال این پاسخ است که چگونه خدیجه توانست نقش‌های خانوادگی و همسری را با مسئولیت‌های اجتماعی و دینی هماهنگ و هم‌افزا سازد. روش پژوهش بر اساس تحلیل محتوای منابع تاریخی-اجتماعی و مطالعه منابع دسته‌اول سیره و تاریخ مانند آثار ابن هشام، طبری، ابن سعد و بلاذری، همراه با تحلیل پژوهش‌های معاصر در حوزه زنان و دین، به کمک ابزار AI بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حضرت خدیجه با بهره‌گیری از سرمایه اقتصادی و منزلت اجتماعی خود توانست حمایت مالی، عاطفی و معنوی گسترده‌ای از پیامبر و یاران اولیه فراهم کند و شبکه‌ای از حمایت اجتماعی ایجاد نماید. حضور فعال اقتصادی و اجتماعی او، مرزهای جنسیتی و اجتماعی جامعه مکه را بازتعریف کرد و نشان داد که نقش همسری و مسئولیت اجتماعی-دینی می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. همچنین، ترکیب این نقش‌ها به ایجاد الگویی تاریخی از تبادل نقش‌های چندگانه زنان در سنت اسلامی منجر شد. این پژوهش نشان می‌دهد که بررسی تحلیلی نقش‌های زنان صدر اسلام می‌تواند درک عمیق‌تری از مدیریت نقش‌های چندگانه و تأثیرگذاری اجتماعی آنان ارائه دهد و راه را برای مطالعات آینده در حوزه جامعه‌شناسی دین و مطالعات در مورد زنان هموار سازد.

کلیدواژه‌ها: حضرت خدیجه (س)، تبادل نقش، همسری و مسئولیت اجتماعی-دینی، سرمایه اجتماعی، زنان صدر اسلام.

نقش زنان در تاریخ اسلام همواره جزء مباحث ریشه‌ای در مطالعات تاریخی، اجتماعی و دینی بوده است. در میان زنان نام آور جهان اسلام، حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) از نخستین بانوان مسلمان و همسر پیامبر اکرم (ص)، در تاریخ اسلام، جایگاهی ممتاز و کم‌نظیر دارد. ایشان علاوه بر ایفای نقش همسری رسول خدا، در عرصه‌های اجتماعی و دینی همراه با پیغمبر خدا در ابلاغ رسالت دین اسلام، نقشی تعیین کننده داشت. حمایت‌های مالی، پشتیبانی عاطفی و استواری ایمانی ایشان از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و تثبیت دعوت اسلامی در سال‌های آغازین بعثت به‌شمار می‌رود (ابن‌هشام، 1985: ج 1، ص 252؛ وات¹، 1956: 52) با این حال، «چگونگی برقراری توازن میان دو ساحت اساسی زندگی حضرت خدیجه (س)»: یعنی نقش همسری در همراهی و همدلی با پیامبر (ص) و مسئولیت‌های اجتماعی و دینی ایشان، در جامعه مکه در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است (وات²، 1956: 52).

مسئله این پژوهش دقیقاً بر همین خلأ علمی استوار است؛ با مطالعات انجام شده، بیشتر منابع تاریخی و مطالعات معاصر بر جنبه حمایتی حضرت خدیجه (س)، به‌ویژه کمک‌های مالی و منزلت اجتماعی وی، تمرکز کرده‌اند (طبری، 1967: ج 2، ص 299؛ مرادی، 1390، ص 123). بنابراین، پرسش بنیادین این است که: «حضرت خدیجه (س) چگونه با وجود نقش‌های چندگانه، میان مسئولیت همسری و ایفای نقش اجتماعی-دینی که داشت، توانست تعادل برقرار کند و در شرایط حساس و دشوار آغاز رسالت، همزمان در هر دو عرصه موفق ظاهر شود؟ که حتی پشتوانه‌ای برای رسالت رسول خداوند بودند. فقدان پژوهش‌های تحلیلی و نظام‌مند در این زمینه موجب شده است ابعاد مدیریتی و الگویی حضرت خدیجه سلام الله علیها، این توازن همچنان ناشناخته باقی بماند.

اهداف این پژوهش در راستای پاسخ به این پرسش طراحی شده است. هدف کلی، «تبیین علمی و مستند چگونگی برقراری تعادل میان نقش همسری و مسئولیت‌های اجتماعی-دینی حضرت خدیجه (س)» بر پایه منابع تاریخی و روایی معتبر است. اهداف جزئی عبارت‌اند از: ۱) تحلیل جایگاه همسری حضرت خدیجه (س) در تقویت رسالت پیامبر (ص) از منظر تاریخی-اجتماعی؛ ۲) بررسی راهکارها و عوامل مؤثر در ایفای نقش اجتماعی و دینی ایشان در کنار

¹ . Watt.

² . ویلیام مونتگمری وات، اسلام‌شناس برجسته‌ی اسکاتلندی، کتاب Muhammad at Mecca (1953) و Muhammad: Prophet and Statesman (1956) را نوشته است.

وظایف خانوادگی؛ و ۳) استخراج الگوی تعادل نقش‌ها به‌عنوان مبنایی برای مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه تاریخ اسلام، جامعه‌شناسی دین و مطالعات زنان می‌باشد.

ضرورت انجام این تحقیق از دو منظر قابل طرح و بررسی است که هم از نظر بازخوانی زندگی حضرت خدیجه (س) با تمرکز بر مدیریت نقش‌های چندگانه، می‌تواند به پر کردن خلأ پژوهشی موجود یاری رساند و در ادبیات علمی جایگاه ویژه‌ای یابد و همچنین، نتایج پژوهش می‌تواند «الگوی الهام‌بخش برای زنان مسلمان معاصر» باشد که در تلاش برای ایجاد توازن میان نقش‌های خانوادگی و مسئولیت‌های اجتماعی-دینی هستند. روش تحقیق این مقاله از نوع کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی است و با بهره‌گیری از منابع تاریخی (ابن هشام، طبری، بلاذری)، تفسیری و پژوهش‌های معاصر (باورینگ^۲، 2013، وات، 1956)، تلاش می‌شود به پرسش اصلی پژوهش پاسخ داده و تصویری جامع از ابعاد نقش‌آفرینی حضرت خدیجه (س) ارائه گردد.

مرور ادبیات پیشینه

مطالعات موجود درباره حضرت خدیجه (س) عمدتاً بر نقش حمایتی او از پیامبر اسلام (ص) در آغاز بعثت متمرکزند. منابع دست اول تاریخی، چون السیره النبویه ابن هشام (1955) و تاریخ الرسل والملوک طبری (1988)، به‌روشنی نشان می‌دهند که خدیجه (س) نخستین فردی بود که به پیامبر ایمان آورد و از جایگاه اقتصادی و اجتماعی خود برای تقویت دعوت اسلامی بهره برد. ابن کثیر نیز در البدایه و النهایه (1997) با تأکید بر عنوان «امّ المؤمنین»، او را شریک اصلی در رسالت نبوی می‌داند.

در مطالعات معاصر نیز این محور تقویت شده است. به‌عنوان نمونه، هجیریان (1396) در مقاله‌ای با عنوان «نقش زنان صدر اسلام در تحولات اجتماعی مکه» نشان داده است که خدیجه (س) با استفاده از سرمایه اقتصادی و منزلت اجتماعی خود، بنیان‌های جامعه نوپای اسلامی را تثبیت کرد. همچنین، سیدحسینی (1392) در پژوهش «زن در تاریخ اسلام» با تمرکز بر شخصیت خدیجه، به پیوند میان نقش خانوادگی و اجتماعی او پرداخته و از این منظر وی را الگویی برای زنان مسلمان معرفی کرده است.

³ . Bowering.

⁴ . Gerhard Böwering (گرهارد باورینگ)، استاد بازنشسته‌ی مطالعات اسلامی در دانشگاه Yale (ایالات متحده) است.

او یکی از پژوهشگران برجسته در حوزه‌ی تاریخ قرآن، تفسیر، الهیات اسلامی و تصوف است.

در حوزه بین‌المللی نیز پژوهش‌هایی درباره نقش زنان در جنبش‌های دینی وجود دارد. برای نمونه، اسمیت^۵ (2012) بر اهمیت حمایت خانوادگی در موفقیت رهبران دینی تأکید کرده است، هرچند مورد خاص حضرت خدیجه (س) را به‌طور مستقیم بررسی نکرده است. همچنین براون^۶ (2019) در مطالعات خود پیرامون نقش زنان در دولت‌های اولیه اسلامی، به جایگاه اجتماعی-سیاسی آنان اشاره کرده ولی ارتباط آن با نقش همسری را به‌صورت ترکیبی مورد مطالعه قرار نداده است.

برآیند مرور این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در ادبیات موجود، ابعاد حمایتی خدیجه (س) به‌خوبی برجسته شده است؛ اما خلأ تحلیلی مهمی باقی مانده است: اینکه چگونه او توانست میان نقش همسری و مسئولیت اجتماعی-دینی تعادل برقرار کند. این کاستی، ضرورت انجام پژوهشی تحلیلی و میان‌رشته‌ای درباره مهارت‌های تعادل‌بخشی در زندگی خدیجه (س) را برجسته می‌کند.

چارچوب نظری پژوهش

تحلیل نقش حضرت خدیجه (س) در آغاز اسلام، به‌ویژه در پیوند میان همسری پیامبر اسلام (ص) و کنشگری اجتماعی-دینی، نیازمند چارچوبی است که بتواند چندگانگی نقش‌ها و مدیریت تعارض میان آن‌ها را توضیح دهد. نظریه نقش‌پذیری^۷ چنین امکانی را فراهم می‌کند. بر اساس این نظریه، هر فرد در جامعه در معرض ایفای نقش‌های گوناگون است و ناگزیر باید میان انتظارات متنوع و گاه متعارض این نقش‌ها تعادل ایجاد کند (بیدل^۸، 1986). در مورد حضرت خدیجه (س)، نقش همسری و نقش کنشگری اجتماعی-دینی در شرایط اجتماعی مکه قرن هفتم ممکن بود در تعارض قرار گیرند، چرا که انتظار عمومی از زنان بیشتر محدود به عرصه خانواده بود. با این حال، او با تکیه بر سرمایه اقتصادی و منزلت اجتماعی خود، این دو نقش را در پیوندی تکمیلی و هم‌افزا قرار داد.

^۵ . Smith.

^۶ . Brown.

^۷ . Role Theory.

^۸ . Biddle.

از سوی دیگر، مطالعات جنسیت در اسلام نشان داده‌اند که نقش زنان در جوامع اسلامی اولیه صرفاً محدود به فضای خصوصی نبوده، بلکه با عرصه‌های عمومی نیز گره می‌خورده است (احمد⁹، 1992). بر این اساس، فعالیت اقتصادی و سپس حمایت سیاسی-دینی خدیجه (س) را می‌توان نمونه‌ای از بازتعریف نقش زنانه در متن یک تحول دینی دانست؛ حضوری که به جای گسست از نقش همسری، آن را تقویت کرد.

همچنین نظریه سرمایه اجتماعی¹⁰ چشم‌اندازی تکمیلی به دست می‌دهد. طبق دیدگاه کلمن¹¹ (1988) و پاتنام¹² (2000)، شبکه‌های اعتماد، اعتبار اجتماعی و منابع اقتصادی می‌توانند به سرمایه‌ای برای کنش‌های فردی و جمعی بدل شوند. خدیجه (س) با برخورداری از منزلت خانوادگی، اعتبار قبیله‌ای و توان اقتصادی، سرمایه اجتماعی خود را در خدمت پیامبر (ص) قرار داد و از این طریق توانست هم در تحکیم خانواده نبوی و هم در تثبیت جامعه مسلمانان نوپا نقش آفرین باشد و. سرمایه اجتماعی او — چه در قالب منزلت خانوادگی و قبیله‌ای، چه در قالب اعتبار اقتصادی و تجاری — عاملی بود که امکان تعادل بخشی نقش‌های خانوادگی و اجتماعی-دینی را فراهم آورد (کلمن، 1988).

بنابراین، چارچوب نظری پژوهش بر سه محور استوار است:

- 1- نظریه نقش برای توضیح تعامل و تنش میان نقش همسری و مسئولیت اجتماعی-دینی.
- 2- مطالعات جنسیت در اسلام برای فهم جایگاه خدیجه (س) در بافت تاریخی و اجتماعی مکه.
- 3- نظریه سرمایه اجتماعی برای تحلیل منابع اقتصادی، اجتماعی و شبکه‌های حمایتی که ایفای نقش‌های چندگانه را ممکن ساختند.

⁹ . Ahmed.

¹⁰ . Social Capital Theory.

¹¹ . Coleman.

¹² . Putnam.

شکلی از تعادل پویا را نشان می‌دهد که همسری، خانواده، و تعهد اجتماعی-دینی را در یک چارچوب عملی و انسانی با هم ترکیب کرده است و بر اهمیت توانمندسازی زنان در بافت تاریخی و دینی تأکید دارد.

از ترکیب منابع تاریخی و چارچوب‌های نظری می‌توان نتیجه گرفت که:

سرمایه اقتصادی و منزلت اجتماعی حضرت خدیجه (س) (ابن هشام، طبری، ابن کثیر) امکان ایفای نقش اجتماعی-دینی را فراهم آورد و حمایت عاطفی و خانوادگی ایشان (الجبوری^{۲۲}، ۲۰۰۱) نقش همسری را به عرصه‌ای برای پشتیبانی از پیامبر و دعوت اسلامی تبدیل کرد. این دو نقش نه تنها در تعارض نبودند، بلکه مکمل یکدیگر بودند (بیدل، ۱۹۸۶، احمد، ۱۹۹۲).

بنابراین، الگوی حضرت خدیجه (س) را می‌توان نمونه‌ای تاریخی از تعادل موفق نقش‌های خانوادگی و اجتماعی-دینی دانست که همچنان در مطالعات زنان مسلمان اهمیت تحلیلی دارد.

²² . Al-Jibouri.

نتیجه گیری

مطالعات و بررسی منابع مسئله پژوهش حاضر نشان داد که حضرت خدیجه (س) نمونه‌ای بارز و برجسته از تعادل موفق میان نقش همسری و مسئولیت اجتماعی-دینی در صدر اسلام بوده است. یافته‌ها چهار محور اصلی از چگونگی نقش حضرت خدیجه سلام الله علیها را برجسته می‌کنند: نخست، سرمایه اقتصادی و مالی که با مدیریت هوشمندانه به سرمایه اجتماعی مؤثر مبدل شد؛ دوم، حمایت عاطفی و معنوی از پیامبر که زمینه‌ساز کنشگری اجتماعی و دینی او گردید؛ سوم، حضور فعال اجتماعی که مرزهای جنسیتی جامعه مکه را بازتعریف کرد؛ و چهارم، الگویی از هم‌افزایی نقش‌ها که نشان می‌دهد نقش‌های خانوادگی و اجتماعی-دینی می‌توانند به‌طور مکمل عمل کنند (ابن هشام، ۱۹۵۵؛ طبری، ۱۹۸۸؛ ابن سعد، ۱۹۹۰؛ Ahmed، ۱۹۹۲؛ Coleman، ۱۹۸۸).

تحلیل‌های پژوهش نشان می‌دهد که حضرت خدیجه سلام الله علیها توانست منابع اقتصادی، منزلت اجتماعی و سرمایه اخلاقی خود را به گونه‌ای تدبیر کند که هم خانواده و پیامبر از آن بهره‌مند شوند و هم شبکه اجتماعی و جنبش نوپای اسلامی تقویت شود. این الگو، برخلاف تصور رایج از تعارض نقش‌ها، نمونه‌ای از تعادل پویا و هم‌افزا در نقش‌های متعدد زنان صدر اسلام ارائه می‌دهد (Biddle، ۱۹۸۶؛ Ahmed، ۱۹۹۲).

علاوه بر این، مطالعه زندگی حضرت خدیجه نشان داد که نقش زنان در جامعه اسلامی اولیه محدود به حوزه خصوصی نبود، بلکه زنان می‌توانستند در همان چارچوب همسری و خانواده، نقش‌های اجتماعی و دینی مؤثر نیز ایفا نمایند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شکاف موجود در مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی درباره مدیریت نقش‌های چندگانه زنان را پررنگ می‌کند و الگوی مفهومی «تعادل نقش» را برای پژوهش‌های آینده فراهم می‌کند.

پیشنهادهات

پیشنهادهات برای پژوهش‌های آینده با توجه به نظریات و مفاهیم موجود مشخص می‌نماید که انجام مطالعات تطبیقی درباره زنان فعال در جنبش‌های دینی صدر اسلام و مقایسه نقش‌های آنان با حضرت خدیجه (س) (Smith، ۲۰۱۲؛ Jones، ۲۰۱۷) و همچنین استفاده از تحلیل شبکه‌های اجتماعی برای بررسی روابط و سرمایه اجتماعی زنان صدر اسلام (Coleman، ۱۹۸۸؛ Putnam، ۲۰۰۰).

و بررسی الگوی «تعادل نقش» در سایر جوامع اسلامی اولیه و تحلیل تأثیر آن بر توسعه اجتماعی و دین‌پنداره
موضوعات مهمی است که قابل بحث و بررسی هستند.

در مجموع مطالعات و منابع بررسی شده در این پژوهش، حضرت خدیجه (س) الگویی و ساختاری الهام‌بخش ارائه
نمود که نشان می‌دهد همسری، خانواده و تعهد اجتماعی-دینی می‌توانند در یک چارچوب هماهنگ و مؤثر با هم
جمع شوند و هیچ گونه تضادی وجود ندارد. این الگو نه تنها اهمیت نقش زنان در تاریخ صدر اسلام را روشن می‌کند،
بلکه پایه‌ای تحلیلی برای مطالعات آینده درباره مدیریت نقش‌های چندگانه زنان در جوامع دینی فراهم می‌آورد.

منابع فارسی

- ابن هشام، عبدالملک. (1955). السيرة النبوية. قاهره: مطبعة مصطفى البابي الحلبي. ج ۱.
- طبری، محمد بن جریر. (1988). تاریخ الرسل والملوک. بیروت: دار التراث. ج ۲.
- ابن کثیر، اسماعیل. (1997). البداية و النهاية. بیروت: دارالکتب العلمیة. ج ۳.
- ابن سعد، محمد. (1990). الطبقات الکبری. بیروت: دار صادر. ج ۸.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (1987). أنساب الأشراف. بیروت: دارالفکر. ج ۱.
- مرادی، سید علی. (1390). سیره حضرت خدیجه (س): تحلیل تاریخی و اجتماعی. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- احمدی، محمد. (1385). «نقش اقتصادی حضرت خدیجه در صدر اسلام». مجله تاریخ اسلام، 7(2)، 45-60.
- سروش، علی. (1395). «خانواده و الگوهای فداکاری در صدر اسلام». مطالعات تاریخ اسلام، 18(3)، 75-95.
- هجیریان، فاطمه. (1396). «نقش زنان صدر اسلام در تحولات اجتماعی مکه». فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، 27(2).
- جعفریان، رسول. (1379). تاریخ سیاسی اسلام. قم: نشر علم.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (1382ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه. ج ۱.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (1374). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات صدرا. ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر. (1429ق). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه. ج ۲، ص ۲۲۴.

منابع انگلیسی و بین‌المللی

- Ahmed, L. (1992). *Women and Gender in Islam: Historical Roots of a Modern Debate*. New Haven: Yale University Press.

- Biddle, B. J. (1986). Recent Developments in Role Theory. *Annual Review of Sociology*, 12, 67–92.

- Bowering, G. (Ed.). (2013). *The Princeton Encyclopedia of Islamic Political Thought*. Princeton University Press.

- Brown, J. (2019). *Women and Early Islamic Governance*. Cambridge University Press.

- Coleman, J. S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95–S120.

- Motzki, H. (2000). *The Biography of Muhammad: Sources and Methodologies*. Leiden: Brill.

- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster.

- Smith, J. (2012). *Women, Family, and Religious Movements*. Oxford University Press.

- Watt, W. M. (1956). *Muhammad at Mecca*. Oxford: Clarendon Press.

- Al-Jibouri, Y. T. (2001). *Khadija: Daughter of Khuwaylid, Wife of Prophet Muhammad*. Qum: Ansariyan Publications.

- Badran, M. (2009). *Feminism in Islam: Secular and Religious Convergences*. New York: Oneworld Publications.

- Weber, M. (1978). *Economy and Society*. University of California Press.